

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
 سال دوازدهم، شماره‌ی چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۹، صص ۳۹-۵۹
 (مقاله علمی - پژوهشی)

اقدامات فرهنگی در حکومت شیبانیان

زینت تاج‌علی^۱، ذکراالله محمدی^۲

چکیده

در سده‌ی دهم قمری / شانزدهم میلادی دگرگونی‌های اساسی در ماوراءالنهر صورت گرفت که نقشه‌ی سیاسی این منطقه و مناطق همجوار را برای چند قرن تغییر داد. تشکیل حکومت شیبانیان / ابوالخیریان (۹۰۷-۱۰۰۷ ق / ۱۵۰۱-۱۵۹۹ م) که تجربه‌ی جدیدی از حکومت بود و بعدها خانات نامیده شد، سرآغاز این تغییرات بود. آنان موجد یک نظام حکومتی بودند که چند قرن در ماوراءالنهر به حیات خود ادامه داد. شیبانیان در منابع مکتوب خود و همسایگان، بیشتر با اقدامات سیاسی - نظامی توصیف شده‌اند، اما این مقاله در صدد است اقدامات فرهنگی شیبانیان را مورد بررسی قرار دهد که کمتر بدان توجه شده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است: اقدامات فرهنگی شیبانیان چه بود و توسط چه کسانی انجام می‌شد؟ این اقدامات چه جایگاهی در حکومت آنان داشت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، خان‌های شیبانی در کنار دولتمردان و طبقات بالای جامعه، در امور آموزشی، علمی، ادبی، مذهبی و هنرهای مختلف اقدامات قابل توجه‌ای انجام دادند. این اقدامات دارای جایگاهی مهم و از الویت‌های حکومت ایشان بود.

واژه‌های کلیدی: شیبانیان، ابوالخیریان، ماوراءالنهر، اقدامات فرهنگی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه الزهراء، (zinatcrown@yahoo.com)

۲. دانشیار دانشگاه الزهراء، (نویسنده مسئول) (ze.mohammadi@alzahra.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

۱. مقدمه

در نیمه‌های سده‌ی نهم قمری، تیموریان شاهد قدرت‌گیری قبایل ازبک^(۱) بودند و ماوراءالنهر نیز در معرض تاخت و تازهای آنها قرار گرفت. ناتوانی تیموریان در جلوگیری از حملات قبایل ازبک از دشت قبچاق به فرماندهی ابوالخیرخان و ناامنی در منطقه یکی از دشواری‌های جدی حاکمان تیموری در ماوراءالنهر بود. ابوالخیرخان با این حملات (میرخواند، ۱۳۷۷، ۱۱۶۳-۱۱۶۴) و ایجاد وحدت میان قبایل بدوی و کوچروی ازبک که در دشت قبچاق، از سبیری تا سیردریا زندگی می‌کردند، توانست زمینه‌ی تشکیل حکومتی را بر پایه‌ی مناسبات قبیله‌ای ایجاد کند (Bregel, 1985, p. 331). در واقع، او به‌عنوان فرمانروای ازبکان دشت قبچاق، پایه‌گذار حکومتی شد که با کوشش‌های نواده‌اش، محمد شیبانی، قوام و اساس یافت. حکومت شیبانیان با سرمایه‌هایی چون نیروی رزمی قبایل متعدد ترک و ازبک، به‌کارگیری سنت‌های قومی - قبیله‌ای و میراث به‌جامانده از دولت تیموریان در ماوراءالنهر تشکیل شد. این حکومت از یک سو برای دستیابی به متصرفات بیشتر با همسایگان جنگ‌های متعدد داشت، و از سوی دیگر خاستگاه قبیله‌ای و پایبندی به اجرای سنت‌ها، آن را کانون درگیری‌های دائمی کرده بود. خان‌های شیبانی در درگیری‌های داخلی و جنگ‌های خارجی از مشروعیت انتساب به چنگیزخان (کوهستانی، ۲۰۲۱، ۳۶۶ ب) و مشروعیت دینی که در جامعه‌ی ماوراءالنهر دو رکن اساسی برای تصدی قدرت بود، سود می‌بردند. آنان که در منابع رسمی با عناوینی چون امام زمان و خلیفه‌الرحمان، امامت مرتبت، محبی مؤثر الخلفا الراشدین (خنجی، ۲۵۳۵، ۱)، ابوالغازی (خنجی، ۱۳۶۲، ۵۱؛ نتاری بخاری، ۱۳۷۷، ۱۳) خوانده می‌شدند، در مناسبات خارجی نیز از مبانی دینی و مذهبی به‌عنوان توجیهی برای سیاست‌های جنگی استفاده می‌کردند.^(۲)

ساختار قدرت در میان شیبانیان بر سنت‌های قبیله‌ای و عدم تمرکز استوار بود. از دیدگاه قبایل و سران طوایف شیبانی، حکومت نیز چون سایر غنایم فقط به یک حاکم تعلق نداشت، بلکه اعضای خاندان و طایفه‌ی او نیز در امر حکومت و دولت شریک بودند. در واقع، حکومت خانان، اتحادیه‌ای خانوادگی متشکل از خان و اعضای خاندان او بود (باسورت، ۱۳۸۱، ۵۴۸). واضح است چنین نظامی مستلزم عدم تمرکزگرایی و تقسیم قلمرو

شیپانیان به چهار تیول مهم سمرقند، بخارا، تاشکند و بلخ بود که هریک توسط یکی از تیره‌های اصلی خاندان شیپانی اداره می‌شد (Bregel, 1990, p. 517). صاحبان این تیول‌ها، سلاطین شیپانی و اعضای خانواده‌ی سلطنتی بودند که قوریلتای صاحبان و نحوه‌ی توزیع این تیول‌ها را مشخص می‌کرد (McChesney, 2009, p. 280). اگرچه این شیوه‌ی حکومت خود منشاء رقابت‌های متعدد، اختلاف بین طوایف و گاه جنگ‌های خونین (بخاری، ۱۶۷۵، ۱۰۴-۱۰۵ و ۲۳۵) برای تصدی حکمرانی بر خانات و احراز مقام خانیت بود (همان، ۲۰۵-۲۰۷)، اما همین رقابت‌ها به تدریج زمینه‌ی مناسبی را برای اقدامات فرهنگی به‌ویژه توسط طبقات سه‌گانه قدرت^(۳) فراهم کرد که بررسی آنها تاکنون چندان محل توجه نبوده است.

۱-۱. پیشینه‌ی پژوهش

اگرچه پژوهش مستقلی با عنوان اقدامات فرهنگی شیپانیان در دست نیست، اما جلوه‌هایی از فرهنگ و هنر آنان در مقالات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است؛ ماریا اوا سابتلنی در مقاله‌ی «هنر و سیاست در اوایل سده شانزدهم در آسیای میانه» به بررسی هنر در اوایل دوره‌ی شیپانی (دوره‌ی شیپانی‌خان و عبیدالله‌خان) پرداخته است. وی اقدامات فرهنگی شیپانیان را متأثر از فرهنگ حمایتی دربار تیموری به‌ویژه دوره‌ی سلطان حسین بایقرا (د ۹۱۱ق) دانسته و علت اتخاذ چنین رویکردی از طرف ایشان را، نه ملاحظات زیبایی‌شناختی و درک درست از هنر، بلکه در راستای اهداف سیاسی و کسب مشروعیت برای یک دولت اسلامی، بیان کرده است (Subtelny, 1983, p. 123). ماریا ژوپه نیز در مقاله‌ای که درباره‌ی ادیبان، حامیان، کتاب‌فروشان، سهم کتب بیوگرافی و نقش کتاب در آسیای میانه در قرون شانزدهم و هجدهم است، گوشه‌هایی از شرایط فرهنگی این منطقه و نقش حمایتی خان‌ها و سلاطین شیپانی در امور مربوط به کتاب، ایجاد کتابخانه و نیز تولید نسخ خطی را تشریح کرده است. اطلاعات او در این باره بیشتر متکی بر تذکره‌ی مطربی سمرقندی و نتاری بخاری است. او نیز در امور مربوط به کتاب، آنان را مقلد و پیرو تیموریان، به‌ویژه امیرعلی شیر نوایی دانسته (Szuppe, 1999, p. 103) و تأکید دارد که

شیبانیان با خالی کردن کتابخانه‌های تیموریان در هرات به غنی‌سازی کتابخانه‌های بخارا در ابتدای سده‌ی شانزدهم پرداختند (Ibid, pp. 103-104). محسن حیدرنیا در تاریخ فرهنگی و علمی سمرقند و بخارا در دوران اسلامی، بخشی را به تاریخ علمی و فرهنگی شیبانیان اختصاص داده است. او مذهب و دین را مهم‌ترین وجه فرهنگی غالب در این دوران دانسته و از رواج نهضت مدرسه‌سازی، اهتمام شیبانیان به امور ادبی، هنری و علمی سخن گفته است (حیدرنیا، ۱۳۹۵، ۲۸۷-۳۱۰). اگرچه ماهیت کار او که بر پایه‌ی تاریخ فرهنگی و علمی دو شهر سمرقند و بخارا قرار گرفته، با اهداف مقاله‌ی حاضر متفاوت است و در آن به دلایل اهداف فعالیت‌های فوق، توجه چندانی نشده است، اما می‌تواند تا حدودی خلاء ناشی از کمبود اطلاعات در زمینه‌ی فعالیت‌های فرهنگی شیبانیان را مرتفع سازد.^(۴)

۲-۱. روش پژوهش

مقاله‌ی حاضر بر خلاف پژوهش‌های ذکر شده در بخش پیشینه، درصدد است به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع، اسناد، مکاتبات و پژوهش‌های اخیر، برای دستیابی به نتایج قابل قبول، به مطالعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی شیبانیان و نیز جایگاه این اقدامات در تمام مدت حکومت صدساله‌ی ایشان، بپردازد.

۲. اقدامات فرهنگی در قلمرو شیبانیان

حکومتی که شیبانیان در سمرقند بنا نهادند، تجربه‌ای در کنترل جوامع شهری و یک‌جانشین نداشت. بنابراین، با آگاهی از جایگاه و کارکردهای نهادهای اداری و فرهنگی در جامعه، کنترل برخی از شهرهای مفتوحه را به بزرگان، دیوانیان و کارگزاران دولت تیموری واگذار کرد (بنایی، ۱۹۹۷، ۷۵-۷۶). در گام‌های بعد، پیوستن جمعی از هنرمندان، شاعران و علمای ماوراءالنهر و خراسان به حکومت تازه‌تأسیس شیبانی- به‌دلخواه یا اجبار- علاوه بر اینکه بیانگر اهمیت نهادهای فرهنگی نزد شیبانیان است، به دامنه و وسعت همکاری‌های دوجانبه میان شیبانیان و نخبگان جامعه اشاره دارد. حاصل این تعامل، فعالیت‌های متعدد فرهنگی است، که سیمای درخشانی به این حکومت بخشیده و آن را از مرحله‌ی اجرای

سنت‌های قبایل بدوی به حامی فعالیت‌های فرهنگی تبدیل کرده است. شیپانیان در عرصه‌های مختلف فرهنگی اقدامات حمایت‌گرانه متعددی انجام دادند، بخشی از این حمایت‌ها از سوی خان‌ها و سلاطین شیپانی، بخش دیگر از سوی امرا، علما و مشایخ متصوفه بود که در ادامه به گوشه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

۲-۱. اقدامات حمایتی خان‌ها و سلاطین شیپانی

محمد شیپانی‌خان، در نوجوانی مدت دو سال به یادگیری علم قرائت نزد اساتید معروف بخارا و ملازمت و هم‌نشینی با علما مشغول بود (بنایی، ۱۹۹۷، ۱۷-۱۸). منابع به علاقه و تسلط خان در ادب فارسی (واصفی، ۱۳۴۹، ۲۰/۱)، ادبیات ترکی (خنجی، ۲۵۳۵، ۴۹)، و نیز هم‌نشینی با شعرا (واصفی، ۱۳۴۹، ۹۷/۱)، تشکیل مجالس ادبی (همان، ۵۰/۱)، توجه به امور آموزشی از جمله تأسیس مدارس (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰، ۹۴)، اهتمام در امور آموزشی شهرهای متصرفه، گماردن مدرس برای مدارس مهم (واصفی، ۱۳۴۹، ۱۴۶/۱) سخن گفته‌اند. اسناد دوره‌ی شیپانی از وقف دو مدرسه و چندین قطعه زمین در ولایات کش و نسف توسط محمد شیپانی‌خان خبر می‌دهند (بارتولد، ۱۳۵۰، ۱۸۲). علاوه بر آن مهرسلطان خانم، همسر محمد تیمورسلطان (فرزند شیپانی‌خان)، یکصد و شصت آبادی، مزرعه، مرتع، باغ میوه، دکان، تیمچه، کارگاه ساخت کاغذ، آسیاب، انبار و حمام که پس از مرگ همسرش به او ارث رسیده بود را وقف دو مدرسه در سمرقند کرد (Mukminova, 1997, pp. 205-206). توجه به ساخت مسجد (خنجی، ۲۵۳۵، ۲۶۱) و زیارت مزار مشایخ متصوفه (همان، ۶۱) نیز قسمتی از اقدامات شیپانی‌خان در امور فرهنگی بود.^(۵)

از سوی دیگر شیپانی‌خان از ظرفیت‌های میراث تیموری در استخدام ادبا و شعرا سود برد. در این رابطه می‌دانیم، او مولانا بنایی (د ۹۱۸ق) که پیش از آن در حلقه‌ی ادبی دربار سلطان حسین بایقرا و نیز مدتی در خدمت سلطان یعقوب آق‌قویونلو (حک ۸۹۶-۸۸۳ق) بود را «در سلک خواص بارگاه سلطنت» (همان، ۳۴۸) به «منصب ملک‌الشعرایی مفتخر» (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰، ۱۰۰) گردانید. بنایی به دستور سلطان محمد شیپانی، تاریخ

زندگی او را با عنوان *شیبانی‌نامه* (۹۰۸ ق) به نگارش درآورد. این اثر علاوه بر توجیه سیاست‌های تهاجمی سلطان محمد شیبانی در حمله به قلمرو تیموریان (بنایی، ۱۹۹۷، ۵۱-۵۲ و ۵۶-۵۷) در مشروعیت بخشیدن به حکومت او جایگاه مهمی دارد. حضور بنایی در هرات دوران سلطان حسین بایقرا، که آن را رنسانس تیموری نامیده‌اند (سابتلنی، ۱۳۹۵، ۱۲۷)، نقش او را به‌عنوان حلقه‌ی واسط و ناقل موارث ادبی و فرهنگی دوره‌های پیش، به حکومت شیبانیان مطرح می‌کند. در همین راستا شیبانی‌خان، محمد صالح (د ۱۵۳۴م) که شاعر و پیش از آن در خدمت دربار سلطان حسین بایقرا بود را به‌عنوان ملک‌الشعراى خود انتخاب کرد تا بر حیات فرهنگی ازبکان در هرات نظارت کند (Subtelny, 1983, p. 134).

پس از کشته‌شدن شیبانی‌خان در نبرد تاریخی مرو (۹۱۶ ق)، مطابق قانون جانشینی- تعیین خان طبق قاعده ارشدیت -کوچک‌نچی خان ابن ابوالخیرخان در سمرقند به تخت نشست. «او در زمان خلافت و ایام سلطنت خود تکریم و تعظیم علما و فضلا را... بر ذمه خود از اوجب مواجب... گردانید... در زمان سلطنتش مدارس، خوانق، صوامع و مساجد و بقاع خیر... عمارت و مرمت پذیرفت» (واصفی، ۱۳۴۹، ۳۸/۱). تعیین ده مدرس در مدرسه و خانقاه سلطان الغ بیک گورکانی؛ تعیین چهار مدرس در «مدرسه خان شهید امام الزمان خلیفه‌الرحمان محمد شیبانی» که تحت نظر مستقیم خان انجام شد، حاکی از اهتمام ویژه به امور آموزشی، در زمان اوست (همان، ۳۸-۴۰/۱). پسر و جانشین او، ابوسعیدخان نیز اقدام به ساخت مدرسه‌ای در سمرقند کرد که بعدها مدفن او گردید (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰، ۱۱۵).

یکی از چهره‌های برجسته‌ی حکومت شیبانی، عبیدالله بن محمود، برادرزاده شیبانی‌خان، بود. او علاوه بر شجاعت و جنگاوری، در هنر و معرفت نیز شهرتی تمام داشت. مهارت در خوشنویسی، کتابت و نسخه‌برداری، تسلط به زبان و ادب فارسی، عربی و ترکی؛ وقوف به علم موسیقی و آواز، قسمتی از قابلیت‌های فرهنگی اوست (دوغلان، ۱۳۸۳، ۴۱۴؛ نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۱۸ و ۲۳) که منابع به انعکاس آن پرداخته‌اند.

تحصیل فقه و حدیث نزد اساتید صاحب نام ماوراءالنهر، نگارش تفسیر به زبان ترکی و نیز رساله‌ای در فقه (نتاری بخاری، ۱۳۷۰، ۱۸) هم‌نشینی و مجالست با علما و فقهاء، رجوع به شرع و فتوا و تشکیل حلقه‌های مباحثه (خنجی، ۱۳۶۲، ۶۱) نشان‌دهنده گوشه‌ای از فعالیت‌های دینی و مذهبی اوست. تلاش او در تأسیس مدارس دارای ابعاد جالب توجه است. او درون قلعه صبران مدرسه‌ای با مناره‌های جنبان ساخت که در آن زمان از عجایب عالم بود. سپس طی مراسمی خاص، یکی از علمای معروف را به مدرسی آن مدرسه مقرر کرد (واصفی، ۱۳۴۹، ۱ / ۲۶۹).

شیپانیان به فرماندهی عبیدالله‌خان بارها به خراسان لشکرکشی کردند. در ۹۳۵ ق که محاصره‌ی هرات باعث تسلط کوتاه‌مدت عبیدالله در این شهر شد، او کتابخانه و هنرمندان هرات را به بخارا، مقر حکومت خود، فرستاد. در میان آنها شیخ‌زاده محمود مذهب، خوشنویس معروف بود. پژوهشگران معاصر، کوچ اجباری هنرمندان خراسان به بخارا توسط عبیدالله‌خان را باعث رونق نگارگری در قلمرو شیپانیان می‌دانند (Bahari, 2003, p. 253). در این باره آمده است که، حاکمان شیپانی با تیموریان که هنرهای مربوط به کتاب را تشویق می‌کردند، رقابت داشتند و بدان دلیل کتابخانه‌ی مهمی در بخارا تأسیس کردند و تعداد زیادی از خوشنویسان، نگارگران و هنرمندان را در آنجا به کار گماردند (Ibid, 256). این موضوع، مهاجرت هنرمندان خراسان را به ماوراءالنهر تسهیل کرد (اشرفی، ۱۳۸۶، ۱۴۸). مهاجرت واصفی، ادیب مشهور دوران سلطان حسین بایقرا، از هرات به سمرقند و بخارا در همین رابطه بود (همان، ۱۴۹). به‌ویژه آنکه تسلط شاه اسماعیل صفوی (حک ۹۳۰-۹۰۷ ق) بر هرات، برخی از هنرمندان سنی مذهب را مجبور کرد تا ساحل امن را در قلمرو شیپانیان جست‌وجو کنند (واصفی، ۱۳۴۹، ۱ / ۳۰-۳۴).

تقسیم قدرت و وجود مراکز سیاسی متعدد -که از ویژگی‌های حکومت شیپانیان بود- اگرچه به افزایش رقابت‌ها و درگیری‌های درون‌خاندانی میان تیره‌های مختلف شیپانی/ ابوالخیری دامن می‌زد، اما نقش مؤثری نیز در توسعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی داشت. دربارهای رقیب با استقلال مالی، استعداد و علاقه‌مندی و نیز تمایل در نمایش قدرت،

زمینه را برای شکوفایی جریان‌های فرهنگی فراهم می‌کردند. تصریح پژوهشگران در وجود پیوند میان زوال سیاسی و خیزش فرهنگی (سابتلی، ۱۳۹۵، ۲۵)، دست‌کم درباره‌ی حکومت شیبانیان مصداق‌هایی دارد.

اختصاص فصولی از تذکره‌های معروف ادبی در سده‌ی دهم قمری به بیان قابلیت‌های سلاطین و خان‌های شیبانی (مطربی سمرقندی، ۱۳۸۲، ۱۶۴-۱۳۳؛ نثاری بخاری؛ ۱۳۷۷، ۴۵-۱۲)، حاکی از میزان تسلط آنها به ادب فارسی و ترکی و نیز فعالیت‌های مذهبی و علمی- آموزشی آنهاست. برپایی مجالس متعدد ادبی، از سوی خان‌ها و سلاطین شیبانی به رشد و شکوفایی ادب فارسی در قلمرو آنها انجامید (Erkinov, 2008, p. 81). به‌گونه‌ای که در این زمان شهرهای بخارا و سمرقند کانون فرهنگی و محل شکوفایی شعر و ادب فارسی بود (ریپکا، ۱۳۸۲، ۲/ ۸۰۴). در این میان، فعالیت فرهنگی عده‌ای از این خان‌ها و سلاطین، شایان توجه بسیار است:

عبدالعزیز بن عبیدالله که پس از پدر وارث تختگاه بخارا شد و سیاست پدر را در توجه به امور فرهنگی ادامه داد. از جمله اقدامات او در این زمینه ساخت خانقاه و حظیره در جوار حضرت قطب‌الابرار خواجه بهاء‌الدین نقشبند (۹۵۱ ق) و احداث مسجد و چندین عمارت است (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰، ۱۲۶-۱۲۲). او «علما و فضلا و شعرا به مزید الطاف سرفراز می‌گردانید... خط نسخ را نیکو می‌نوشت و در وادی شعر آنچه بود که گوی فصاحت از میدان بلاغت می‌ربود» (نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۳۸). علاوه بر این می‌توان از اقدام عبدالعزیز سلطان در تشویق هنرهای نگارگری، خوشنویسی (منشی، ۱۳۸۰، ۹۴) و دیگر هنرهای کتاب‌آرایی نام برد. او «کتابخانه‌ای داشت که معلوم نیست که در ریع مسکون در آن وقت مثل او بوده باشد و ملک‌الکتابش امیر حسینی بود که کتابت نستعلیق را بی بدل می‌نمود...» (نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۴۰-۳۹). نام او در کنار پدرش در میان حامیان کتاب و هنرهای مربوط به کتاب قرار دارد. کتاب‌هایی مانند *بوستان و گلستان سعدی*، *بهارستان جامی*، *مخزن‌الاسرار نظامی*، *هفت منظر هاتفی* و ... از جمله کتاب‌های مورد علاقه‌ی خان‌های شیبانی به‌ویژه عبدالعزیز بود (Bahari, 2003, p. 265 / شرفی، ۱۳۸۶، ۱۷۵-۱۷۶). بسیاری از کارهای هنری که برای عبدالعزیز سلطان و به دستور او انجام می‌شد، به

سبک نقاشی‌های دوره‌ی سلطان حسین بايقرا بود (Bahari, Ibid)، اما ادامه‌ی این روند منجر به ایجاد مکتب مینیاتور بخارا شد (اشرفی، ۱۳۸۶، ۲۱۴-۲۱۶) که در آن اقدامات حمایتی شیبانیان، نقش برجسته‌ای داشت.

در دوره عبداللطیف خان (۹۴۷-۹۵۹ ق/۱۵۴۰-۱۵۵۲ م) نیز فعالیت‌های فرهنگی ادامه داشت. منابع از تسلط و علاقه‌مندی عبداللطیف خان به علم تاریخ و حافظه‌ی قوی او در ثبت و ضبط وقایع و نیز تسلط به علم نجوم خبر داده‌اند (نتاری بخاری، ۱۳۷۷، ۲۵). به دستور او مسعود بن عثمان کوهستانی، تاریخ/بولخیر خانی را در علم تاریخ به نگارش در آورد (۷-۹۴۶ ق/۴۰-۱۵۳۹ م). این اثر که به زبان فارسی و اولین تاریخ عمومی در حکومت شیبانیان است (Bregel, 2004, p. 402)، با بیان انتساب شیبانیان به چنگیزخان و نیز با اغراق، بزرگنمایی و اسطوره‌سازی به دنبال کسب مشروعیت سیاسی و اجتماعی برای آنها بوده است (کوهستانی، ۲۰۲۱، ۳۶۶ پ).

در حکومت شیبانیان، دوران عبدالله خان از لحاظ تدابیری که برای بسامان آوردن اوضاع قلمرو شیبانیان به عمل آورد، جای توجه ویژه دارد. او با تمرکز قدرت، موجب تقویت و تثبیت پایه‌های حکومت شیبانیان شد. بخشی از این اقدامات غیر نظامی و در حیطه‌ی امور فرهنگی بود که به مواردی از آنها - با رعایت اختصار - اشاره می‌شود.

منابع از ساخت مدارس متعددی در زمان عبدالله خان خبر می‌دهند (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰، ۱۶۹) که تعدادی از آنها در پژوهش‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برجسته‌ترین‌های این مدارس در بخارا، مجموعه قوش مدرسه، شامل دو مدرسه در مقابل یکدیگر است: «مدرسه والده خان» یا «مدرسه مادرخان» (مدرسه مادر عبدالله خان) که طبق کتیبه‌ی منظوم و فارسی آن در ۹۷۴-۹۷۵ ق/۱۵۶۷-۱۵۶۶ م و مدرسه عبدالله خان که در ۹۹۶-۹۹۸ ق/۱۵۸۸-۱۵۹۰ م ساخته شده است (Tupev, 2017, p. 39؛ رضا، ۱۳۸۱، ۴۵۳). مدرسه‌ی دیگری که در زمان عبدالله خان در بخارا ساخته شد، مجموعه مدرسه‌ی گوکشان (گاوکشان^۱) با مناره‌های زیبای آن ساخته شده در ۹۷۸ ق است که در کتیبه‌ی فارسی آن، از عبدالله خان به عنوان «خان‌الزمان» به همراه نام و القاب پدرش یاد

1. Gavkushan

شده است (Tupev, 2017, p. 36).

ساخت خانقاه و رباط (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰، ۱۶۹)، فعالیت‌های ادبی و حمایت از شعرا و ادیبان (مطرب‌بی سمرقندی، ۱۳۸۲، ۱۳۷) گوشه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی عبدالله‌خان بود. در این رابطه می‌دانیم، او به استخدام افرادی برای ثبت رویدادهای تاریخی با عنوان واقعه‌نویس (مطرب‌بی سمرقندی، ۱۳۷۷، ۴۸ و ۱۲۱) اقدام کرد که نام آورترین آنها حافظ تانیش بخاری، متخلص به نخلی (۹۱۱-۱۰۰۶ق/۱۵۸۲-۱۵۹۸م) بود. او شرف‌نامه شاه‌ی (عبدالله‌نامه) که تاریخ اختصاصی (دودمانی) شیپانیان است را به دستور خان و به زبان فارسی تألیف کرد (همان، ۱۶۹). منابع از مولانا سرودی (نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۲۳۹) و حافظ مقیمی بستانخانی (مطرب‌بی سمرقندی، ۱۳۷۷، ۱۲۱) نیز به‌عنوان وقایع‌نگاران عبدالله‌خان یاد کرده‌اند. این موضوع از یک‌سو نشانگر هوشیاری و اهتمام ویژه عبدالله‌خان در امور فرهنگی است و از سوی دیگر تلاش او برای توجیه اقدامات سیاسی - نظامی خویش و مشروعیت بخشیدن به آنها را نمایان می‌کند (بخاری، ۱۶۷۵، ۶۹۰-۶۹۳). بخشی از اقدامات فرهنگی عبدالله‌خان مانند اسلاف خویش، با کمک اقدامات نظامی او میسر می‌شد. در این زمینه لازم است به منابع رسمی صفویه نیز توجه شود. این منابع از غارت «کتابخانه‌ی سرکار فیض آثار» امام علی بن موسی و «تاراج مصاحف به خطوط شریف ائمه معصومین و استادان ماتقدم... و دیگر کتب علمی و فارسی که از حیز احصاء بیرون بود»، به‌وسیله‌ی لشکریان عبدالله‌خان خبر داده‌اند (منشی، ۱۳۸۲، ۴۱۳). بی‌شک تعدادی از این کتاب‌های نفیس به کتابخانه‌ی عبدالله‌خان فرستاده می‌شد. در واقع، با غارت کتابخانه‌های هرات و مشهد به دست عبدالله‌خان موج جدید هنری، به تقلید از آثار صفویه در ماوراءالنهر پدید آمد (Schmitz, 2000, p. 530). درنهایت اقدامات فرهنگی عبدالله‌خان باعث شکوفایی مکتب نگارگری و توسعه‌ی آن شد. علاوه بر آن، بخارا در زمان او به‌عنوان مرکز فعالیت‌های هنری، شکوهی دوباره یافت (Barisitz, 2017, p. 169) و مرکز مبادلات فرهنگی، نیز محل رفت‌وآمد شاعران، هنرمندان (Mukminova, 2003, p. 43) و طالبان علم، از سرزمین‌های مجاور و همسایه، به‌ویژه قلمرو گورگانیان هند گردید (Foltz, 1998, p. 79).

۲-۲. اقدامات حمایتی بزرگان کشوری و لشکری

در سده‌ی دهم قمری و با اوج فعالیت‌های آموزشی و مدرسه‌سازی در قلمرو شیپانیان که عده‌ای از آن با عنوان نهضت مدرسه‌سازی یاد می‌کنند (حیدرنیا، ۱۳۹۵، ۲۸۸)، مدارس و مراکز آموزشی مهمی در قلمرو شیپانیان ساخته شد. تذکره‌های این سده از اقامت علما، بزرگان، طلاب و شاعران متعدد در حجره‌های مدارس و فضای علمی-ادبی آنجا حکایت‌های فراوان دارند (مطربی سمرقندی، ۱۳۸۲، ۶۲۵ و ۷۵۱؛ نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۲۳۱). در این مدارس که علوم شرعی به‌ویژه فقه و حدیث توسط فقهای بزرگ ماوراءالنهر تدریس می‌شد، تصوف، شعر و ادب نیز بروز و ظهور داشت، اما فضای بسته‌ی همراه با تعصبات مذهبی آنها، مورد انتقاد برخی پژوهشگران قرار گرفته است (حیدرنیا، ۱۳۹۵، ۲۸۷).

فعالیت‌های فرهنگی و مدرسه‌سازی ویژه‌ی سلاطین و خان‌های شیپانی نبود، بلکه بزرگان و امرای حکومت نیز در این امر به پیروی از سلاطین و خان‌ها شرکت می‌کردند. در این باره می‌توان به ساخت مجموعه‌ی آموزشی توسط مولا میرک لطیف دیوان، وزیر دوران عبیدالله‌خان، اشاره کرد. او این مرکز را بین سال‌های ۱۵۲۷ تا ۱۵۳۳م در شهر بخارا و در محله‌ی ملا امیری ساخت (Tupev, 2017, p. 33).

درباره‌ی قل باباکولتاش از «امرای عظام و وزرای کرام عبدالله‌خان» (مطربی سمرقندی، ۱۳۷۷، ۱۳۹) که در منابع رسمی صفویه، سیمای مصلحت‌جو، آینده‌نگر و خیرخواهی دارد (منشی، ۱۳۸۲، ۱ / ۳۸۹) آمده است: «پیوسته شعرا و فضلا انیس مجلس او بودند و بوفور انعاماتش سرفراز می‌گردیدند. بسیار فضیلت‌دوست بود و فضیلت موفور داشت» (مطربی سمرقندی، ۱۳۷۷، ۱۴۰). او در ولایات ماوراءالنهر و خراسان، مدارس، مساجد، خوانق، معابد و سراهای بسیاری ساخت و نیز گاه موقوفاتی به مدارس اختصاص می‌داد (همان). از جمله در ۹۷۶ ق/ ۱۵۶۸ م مدرسه‌ی بزرگی در بخارا ساخت که یکصد و شصت حجره داشت و بیشتر از سیصد طلبه در آنجا به فراگیری علوم اشتغال داشتند (McChesney, 2010, p. 254-255). عده‌ای این مدرسه‌ی ۸۰×۶۰ متری که تا امروزه نیز پابرجاست را بزرگ‌ترین مدرسه‌ی آسیای مرکزی و دارای گنبدی بزرگ و منحصربه‌فرد

می‌دانند (رضا، ۱۳۸۱، ۴۵۳). قل بابا کوکلتاش همچنین در شهرهای سمرقند، تاشکند، هرات و طالقان نیز مدارسی احداث کرد (McChesney, 2010, p. 254-255).

۲-۳. اقدامات حمایتی علما و مشایخ متصوفه

تحولات سیاسی ماوراءالنهر پس از تیموریان تأثیر زیادی در رشد جوامع متصوفه در این منطقه داشت. حکومت شییبانیان با داشتن ویژگی‌هایی مانند: تقسیم قدرت (سیستم خانات) و رقابت‌های درون‌خاندانی، رهبران مذهبی را برای حمایت از یک سلطان یا خان، وارد رقابت‌ها و منازعات سیاسی می‌کرد (Schwarz, 2008, p. 189). این موضوع برای رهبران سیاسی نیز مهم بود که بتوانند در رقابت‌های سیاسی از حمایت طبقات مذهبی ذی‌نفوذ، به‌ویژه علما، رؤسا و شیوخ متصوفه بهره‌مند شوند.

یکی از این علما، فضل‌الله بن روزبهان خنجی (نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۷۴-۶۸) متخلص به امین (د ۹۲۵ ق) بود. او که پس از کسب علوم دینی، مدتی در دربار سلاطین آق‌قوینلو به سر برده بود، با قدرت یافتن صفویان، از بیم مطالب تندی که درباره‌ی صفویه نوشته بود، به اردوی شییبانی‌خان در ماوراءالنهر گریخت. این هم‌نشینی نگارش «اریخ احوال عالیحضرت خلیفه‌الرحمن، امام زمان... محمدالشییبانی خان» (خنجی، ۲۵۳۵، ۳۵۵) با عنوان مهمان‌نامه بخارا (۹۱۵ ق) را به دنبال داشت. خنجی در این اثر از آرای فقهی و امتیاز علمی خود در اثبات حقانیت شییبانی‌خان و تکفیر دشمنان او استفاده کرد (همان، ۴۳-۴۵ و ۵۷). فضل‌الله بن روزبهان خنجی که پس از فوت شییبانی‌خان به اردوی عبیدالله‌خان پیوست، سلوک الملوک را بر اساس «نذر شرعی مؤکد به ایمان» او به رشته‌ی نگارش درآورد (خنجی، ۱۳۶۲، ۵۴). در واقع، سلوک الملوک که دستورالعملی برای برقراری حکومت با موازین شرعی است، سعی در مشروعیت‌بخشی به حکومت شییبانیان دارد و عبیدالله را «ابوالغازی»، «امام» و «خلیفه‌الله فی الارض» (همان، ۵۱) می‌داند.

درباره‌ی شیخ عبدالله یمنی مشهور به میرعرب که در ولایت بخارا از مشایخ معروف صوفیه و «ملجا عالمیان و پیشوا و مقتدای آدمیان» بود (راقم سمرقندی، ۱۳۸۰، ۱۱۵)، آمده است که عبیدالله‌خان هنگام مراجعت از مقابله با سپاه صفوی، «نذورات تازه و هدایای

بی‌اندازه» (همان، ۱۱۶) نزد او فرستاد. میرعرب از محل این تحف و هدایا مدرسه‌ای بنا کرد که مخزن قلوب و مأمّن صدور اهل علم گردید. ادبای وقت ماده تاریخ این مدرسه را «مدرسه عالی میرعرب» یافتند (همان). این مدرسه‌ی بزرگ که دارای بیش از صد حجره بود، در واقع از درآمد فروش سه‌هزار اسیر شیعه‌ی ایرانی، ساخته شد. بعدها در بخش شمالی این مدرسه عبیدالله خان شیپانی و شیخ عبدالله یمنی (مؤسس مدرسه) را به خاک سپردند (رضا، ۱۳۸۱، ۴۵۳).

شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی یکی دیگر از شیوخ متصوفه و بانی خانقاه‌های متعدد، دست‌کم پنج خانقاه طی دهه‌ی ۱۵۲۰ تا دهه‌ی ۱۵۵۰م در ماوراءالنهر احداث کرد (Schwarz, 2008, p. 191). فعالیت‌های او، در حوزه‌ی قلمرو سیاسی شیپانیان و در شهرهای خوارزم، سمرقند و بخارا قرار داشت (Ibid, p. 192). یکی از ساختمان‌های او که در سال‌های اخیر بازسازی شده است، به نام مدرسه‌ی مخدوم اعظم یا مخدوم خوارزمی هم اکنون در سمرقند موجود است (Ibid, p. 191). علاوه بر آن می‌توان از شیوخ جویباری نام برد که در نیمه‌ی دوم سده‌ی دهم از رهبران نقشبندیه و صاحبان قدرت در حکومت عبدالله خان بودند (قطغان، ۱۳۸۵، ۲۳۱ و ۲۴۶ و ۳۴۳). مجموعه اسنادی که از معاملات ملکی آنها به جا مانده، حاکی از ثروت بیکران و قدرت آنان است (Paul, 1997, p. 184). آنان علاوه بر اینکه بانی خانقاه‌های متعددی بودند (Schwarz, 2008, p. 189)، از فعالیت‌های ادبی نیز حمایت می‌کردند. بدرالدین کشمیری یکی از مریدان خاندان جویباری که خود اهل فضل و ادب بود، آثار مهمی در تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به‌ویژه تاریخ مذهبی ماوراءالنهر در سده‌ی دهم دارد (Deweese, 2012, p. 80).

ساخت یا بازسازی خانقاه‌ها، زیارتگاه‌ها، بقاع متبرکه، مزارات و بناهای یادبود بر مقابر بزرگان متصوفه در دستور کار حکام شیپانی و نیز شیوخ متصوفه قرار داشت که از منابع عظیم ثروت آنان انجام می‌شد. بدین ترتیب گاه خاندان‌های مهم متصوفه نقش رهبری و مشوق هنر و معماری را نیز ایفا می‌کردند (McChesney, 1997, p. 430). در واقع، با حکومت شیپانیان موج جدیدی در ساخت خانقاه پدید آمد که این موضوع با توجه به

میزان رشد نفوذ شیوخ متصوفه در جامعه و تعامل آنها با خان‌های شیبانی قابل درک است. تعامل و همکاری فرهنگی این گروه با خان‌ها و سلاطین شیبانی دارای ابعاد مختلفی است که گاه با جست‌وجو در آثار قلمی این شیوخ میسر می‌شود. سیدحسن خواجه نقیب الاشرف بخاری متخلص به نثاری، صاحب تذکره‌ی *مذکر احباب* یکی از این افراد است که اثر خود را «هدیه... ابوالغازی عبدالله بهادر خان» (نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۷) کرد. وی که خود (همان، ۲۹ و ۳۱) و پدرش (همان، ۱۹ و ۲۷) ایامی را در ملازمت خان‌های شیبانی بودند، رکن اول تذکره‌ی *مذکر احباب* را به بیان احوال سلاطین چنگیز خانی-شیبانیان- اختصاص داد. او با تأکید بر وجوه ادبی شخصیت خان‌ها و سلاطین شیبانی، ارتباط با شیوخ متصوفه، هم‌نشینی با فقها، اشتغال به حدیث، تفسیر و فقه (نثاری بخاری، ۱۳۷۷، ۴۵-۱۲)، گاه آنان را به پیامبر متصل کرده است و گاه با بیان «خوارق عادات» (همان، ۱۲-۱۶) سعی در بزرگ‌نمایی مقام آنان دارد.

۳. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

شیبانیان با وقوف به جایگاه نهادهای فرهنگی، اقدامات متعددی در زمینه‌های مختلف آموزشی، هنری، علمی، مذهبی و... انجام دادند. محورهای اصلی فعالیت‌های فرهنگی آنان بیشتر در زمینه‌های مدرسه‌سازی، تأسیس کتابخانه و تشویق هنرهای کتاب‌آرایی (شامل نگارگری، خوشنویسی، مذهب‌کاری، استنساخ و...) به همراه ساخت بناهایی مانند مسجد، خانقاه، صومعه، مزارات، بقاع خیر و موقوفاتی در این زمینه بود. آنان از درک اهمیت و کاربرد فعالیت‌های ادبی نیز غافل نبودند و با تشویق و حمایت مستقیم آنان، آثار متعددی در زمینه‌های ادبی و تاریخ‌نگاری ایجاد شد. این امور به ایجاد سبک‌های نوینی در عرصه‌ی هنر به‌ویژه نگارگری انجامید و شهرهای بخارا و سمرقند را مرکز تکاپوهای علمی و ادبی کرد.

فعالیت‌های فرهنگی در زمان شیبانیان بیشتر توسط خان‌ها و سلاطین شیبانی، شیوخ متصوفه و امرا که همگی از طبقات بالای جامعه و دارای قدرت و ثروت بودند، انجام می‌شد. وجود دربارهای متعدد و عدم تمرکز قدرت، امور فرهنگی را محمل رقابت‌های

تنگاتنگ گروه‌های فوق ساخته بود که هریک بنا بر دلایل و اهداف خود از این فعالیت‌های سود می‌بردند. شیپانیان به موازات درگیری‌های متعدد درون طایفه‌ای برای رسیدن به قدرت، و نیز آرمان دستیابی به خراسان که جنگ‌های دامنه‌داری را با صفویه به دنبال داشت، از قدرت و ارزش فعالیت‌های فرهنگی آگاهی داشتند و این امور را از اولویت‌های حکومت خویش قرار دادند.

پی‌نوشت

(۱) اصطلاح ازبک با مفهوم نژادی، درباره‌ی اقوام و طوایف بیابانگرد ترک-مغول در آسیای میانه به‌ویژه در ماوراءالنهر و خوارزم به کار می‌رود که اقدامات نظامی آنان منجر به تشکیل حکومت شیپانیان در قرن دهم شد. در این باره، رک: McChesney, (1995), pp. 232-3.

(۲) چنانچه محمد شیپانی‌خان در نامه‌ی خود به شاه اسماعیل مدعی شد، صدای امامت و ندای خلافت از عالم غیب به ما رسیده، رک: نسخ خطی کتابخانه ملک به شماره‌های ۱۰/۳۸۴۶ و ۲۹/۴۱۷۱؛ عبیدالله‌خان نیز در نامه‌ای به شاه تهماسب غرض از حمله به خراسان را انتظام اسلام و دفع اهل بدعت و ظلال خواند. رک: نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی ملک به شماره‌ی ۱۴/۳۸۴۶.

(۳) خان‌ها و سلاطین، امیران ازبک و روحانیان، طبقات سه‌گانه‌ی قدرتمند و شریک در امر حکومت بودند. برای اطلاع بیشتر درباره‌ی قدرت آنها در دوره‌ی شیپانی، نک:

A.D. McChesney, 1997, p. 429; id, 1990, pp. 177-178, p. 290.

A.D. McChesney, (1990), pp.177-178 ; id, (2010), p. 290.

(۴) با توجه به تعاریف مختلف و متفاوت از مفهوم فرهنگ (رک: آشوری، ۲۵۳۵، ۳۹-۷۳)، در پژوهش حاضر دیدگاه نسبتاً پذیرفته‌شده‌ی ادوارد برنت تایلور (د ۱۹۱۷ق)، انسان‌شناس معروف سده‌ی نوزدهم انگلستان، مبنا قرار گرفته است که فرهنگ را کلیت درهم‌تافته‌ای، شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت می‌داند که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد (همان، ۳۹). بنابراین، در پژوهش حاضر، منظور از فعالیت‌های فرهنگی، اقدامات انجام‌شده در راستای آموزش، دانش، دین، هنر، آداب و رسوم است.

(۵) قابل ذکر است واکنش محمد شیپانی‌خان نسبت به مشایخ طریقت نقشبندیه به هنگام تصرف سمرقند، تابعی از کنش‌های سیاسی و مقاومت آنان در برابر حملات شیپانیان و جانبداری از تیموریان بود و نمی‌توان این موارد را در حیطه‌ی اقدامات فرهنگی برشمارد (در این باره، نک: خواندمیر، ۱۳۶۲، ۲۸۰-۲۷۶/۴).

منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش، (۲۵۳۵)، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- اشرفی، م. م.، (۱۳۸۶)، بهزاد و شکل‌گیری مکتب مینیاتور بخارا در قرن ۱۶ میلادی، ترجمه‌ی نسترن زندی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بارتولد، و. و.، (۱۳۵۰)، آبیاری در ترکستان، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باسورث، ادموند کیلفورد، (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی جدید، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات بازشناسی ایران و اسلام.
- بخاری، حافظ تانیس، شرف‌نامه شاه‌ی (عبدالله‌نامه)، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۱۶۷۵ کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی سپهسالار.
- بنایی، کمال‌الدین علی شیر، (۱۹۹۷)، شبانی‌نامه، تصحیح کازویوکی کوبو، کیوتو: بین.
- حیدرنیا، محسن، (۱۳۹۵)، تاریخ فرهنگی و علمی سمرقند و بخارا در دوران اسلامی، تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی.
- خنجی، فضل‌الله بن روزبهان، (۱۳۶۲)، سلوک الملوک، تصحیح محمد علی موحد، تهران: خوارزم.
- _____، (۲۵۳۵)، مهمان‌نامه بخارا، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، (۱۳۶۲)، حبیب‌السیر، تهران: خیام.
- دوغلات، میرزا حیدر، (۱۳۸۳)، تاریخ رشیدی، به‌کوشش عباسقلی غفاریان فرد، تهران: میراث مکتوب.
- راقم سمرقندی، میر سید شریف، (۱۳۸۰)، تاریخ راقم، به‌کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات موقوفات افشار.
- رضا، عنایت‌الله، (۱۳۸۱)، «بخارا»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، صص ۴۲۸-۴۵۵.
- ریپکا، یان، (۱۳۸۲)، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران: سخن.
- سابتلنی، ماریا اوا، (۱۳۹۵)، امیر علی شیر و روزگار او، ترجمه‌ی جواد عباسی، مشهد: طنین قلم.

- قطغان، محمد یار بن عرب، (۱۳۸۵)، *مسخرالبلاد*، تصحیح نادره جلالی، تهران: میراث مکتوب.
- کوهستانی، مسعود بن عثمان، *تاریخ ابوالخیر خانی*، مجموعه عکس به شماره‌ی ۲۰۱۸-۲۱، مرکز اسناد و کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران.
- مطربی سمرقندی، (۱۳۸۲)، *تذکره الشعرا*، مقدمه و تحشیه رفیعی علامرودشتی، تهران: میراث مکتوب.
- _____، ۱۳۷۷، *نسخه زیبای جهانگیر*، به‌کوشش سیدعلی موجانی و اسماعیل بیگ‌جانوف، قم: کتابخانه‌ی مرعشی نجفی.
- منشی، اسکندر بیگ، (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تنظیم فهرست‌ها ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- منشی، محمد یوسف، (۱۳۸۰)، *تذکره مقیم خانی*، تصحیح فرشته صرافان، تهران: میراث مکتوب.
- میرخواند، امیر خواند محمد، (۱۳۷۷)، *روضه الصفا*، تلخیص عباس زریاب خویی، تهران: علمی.
- نثاری بخاری، سید حسن، (۱۳۷۷)، *مذکر احباب*، به‌کوشش نجیب مایل هروی، تهران: مرکز.
- نسخ خطی کتابخانه‌ی ملک به شماره‌های: ۱۰ / ۳۸۴۶ : ۲۹ / ۴۱۷۱ : ۱۴ / ۳۸۴۶
- واصفی، زین‌الدین محمود بن عبدالجلیل، (۱۳۴۹)، *بدایع الوقایع*، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- Bahari, e. (2003), "The Sixteenth Century School of Bukahra Painting and the Arts of the Book", in *Society and Culture in the Early Modern Middle East, Studies on Iran in the Safavid Period*, edited by Andrew j. Newman, Leiden: Brill, pp.251-264.
- Barisitz, Stephan. (2017), "Brushed Aside by Outside Progress: From Relative Decline to Colonization", *Central Asia and Silk Road Economic Rise and Decline over Several Millennia*, Switzerland, pp.49-146.
- Bartold, Vasilii Vladimirovich (1965), *Работы по исторической географии*, Moscow.
- Bosworth, Edmund (2004), *The New Islamic Dynasties: A Chronological and Genealogical Manual*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Bregel, Yuri, (1985), "Abu'l-kayr Khan", *Encyclopædia Iranica*, Vol.1, edited by Ehsan Yarshater, pp. 35-331.
- -----, (1990), "Bukhara III. after the Mongol Invasion", *Encyclopædia Iranica*, Vol. 4, edited by Ehsan Yarshater, pp. 515-521.
- -----, (2004) "Historiography XII, Central Asia", *Encyclopædia Iranica*, vol. XII, fasc.4, edited by Ehsan Yarshater, pp. 395-403.
- Deweese, Devin,(2012) "Kašmiri, Badr-Al-Din", *Encyclopædia Iranica*, Vol. XVI, Fasc. 1, edited by Ehsan Yarshater, pp. 80-83.
- Erkinov, Aftandil, (2008), "Persian-Chaghatay Bilingualism in the Intellectual Circle of the Central Asia", *Journal of Central Asia studies*, Vol.12, pp. 57-82.
- Foltz, Richard, (1998), *Mughal India and Central Asia*, Karachi: Oxford

University Press.

- McChesney, R. D., (1995), "OZBEG, Historical Aspects", *EF*, Vol. VIII, edited by Edmund Bosworth, Leiden: Brill, pp. 232-233.
- -----, (1997), "SHIBANIDS", *EF*, Vol. IX, edited by Edmund Bosworth, Leiden: Brill, pp. 428-31.
- -----, (2009), "The Chinggisd Restoration in the Central Asia :1500-1785", *The Cambridge History of Inner Asia, the Chinggisd Age*, edited by Nicola di Cosmo, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 277-302.
- -----, (1990), "CENTRAL ASIA VI. In the 16th-18th Centuries", *Encyclopædia Iranica*, V.5, fasc.2, edited by Ehsan Yarshater, pp. 176-193.
- -----, (2010), "Islamic Culture and the Chinggisd Restoration: Central Asia in the Sixteenth and Seventeenth Centuries", *The New Cambridge History of Islam*, Vol.3, edited by D. O. Morgan, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 239-265.
- Mukminova, Raziya G., (2003), "The Shaybanids", *History of Civilizations of Central Asia*, Vol.5, edited by Chahryar Adle and Irfan Habib, Co-Editor Karl M. Baipakov, UNESCO Publishing, pp. 33-44.
- -----, (1997), "Le rôle de la femme dans la société de l'Asie centrale sous les Timourides et les Sheybanides", *Cahiers d'Asie centrale*, 3/4, pp. 203-212.
- Paul, Jürgen, (1997), "La propriété foncière des cheikhs Juybari", *Cahiers d'Asie centrale*, 3/4, pp. 183-202.
- Rypka, Jan; (et. al.) (1968), *History of Iranian Literature*, edited by Karl Jahn, Dordrecht: D. Reidel.
- Schmitz, Barbara. (2000), "Bukhara vi. Bukhara School of Miniature Painting", *Encyclopædia Iranica*, Vol. IV, fasc.5, edited by Ehsan Yarshater, pp. 527-530.
- Schwarz, Florian, (2008), "An endowment deed of 1547(953 h.) for the a Kubravi Khanagah in Samarkand", *Die Grenzen der Welt*, edited by Lorenz Korn, Eva Orthmann and Florian Schwarz, Wiesbaden, pp. 189-210.
- Subtelny, Maria. Eva, (1983), "Art and Politics in Early 16th Century Central Asia", *Central Asiatic Journal*, Vol. 27, No.1/2, pp.121-148.
- Szuppe, Maria, (1999), « Lettrés, patrons, libraires. L'apport des recueils biographiques sur le rôle du livre en Asie centrale aux XVIe et XVIIe siècles », *Cahiers d'Asie centrale*, 7, pp. 99-115.
- Tupev, Mustafa, (2017), "All the King's Men: Architectural Patronage in Bukharan Madrasa Buildings from the 1560s", *Beiträge zur Islamischen Kunst und Archäologie*, Band 5, Wiesbaden, pp. 28-56.

پرتال جامع علوم انسانی

Sources Transliteration

Sources in Persian

- Āšūrī, Dārūš (1355 Š.), *Ta'rifhā wa Mathūm-e Farhang*, Tehran: Markaz-e Asnād-e FARhangī-e Āsiā. [In Persian]
- Ašrafī, MOgadamah M. (1386 Š.), *Behzād wa Šeklgīrī-e Maktab-e Mīnātor-E Boḳārā dar Qarn-e 16 Milādī*, translated by Nastaran Zandī, Tehran: Wezarat-e Farhang wa Eršād-e Eslāmī. [In Persian]
- Banāī, Kamāl al-Dīn 'Alīšīr (1997), *Šaybānīnāmeḥ*, edited by Kazoyoki Kobo, Kyoto: Bin. [In Persian]
- Boḳārī, Hāfez Tānīš (n. d.), *Ārafnāmeḥ-ye Šāhī* ('AbdullāhNāmeḥ), Manuscript No. 1675 Ketābkāneh-ye Madrese-ye 'Alī Sepahsālār. [In Persian]
- Dūglāt, Mīrzā Ḥaydar (1383 Š.), *Tārīk-e Rašīdī*, edited by 'Abbāsqolī Ġafārīānfard, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
- Ḥaydamīā, Moḥsen (1395 Š.), *Tārīk-e Farhangī wa 'Elmī'e Samarqand wa Boḳārā dar Dawrān-e Eslāmī*, Tehran: Enteshārāt-e Baynalmellali-e al-Mahdī. [In Persian]
- ḳonjī, Fażlullāh b. Rūzbehān (1362 Š.), *Solūk al-Molūk*, edited by Moḥammad 'Alī Movahed, Tehran: Kārazm. [In Persian]
- ----- (1355 Š.), *Memnānāmeḥ-ye Boḳārā*, edited by Manūčehr Sotūdeh, Terhan: Bongāh-e Taḳomeḥ wa Našr-e Ketāb. [In Persian]
- Ḳāndmīr, Ġiāt al-Dīn b. Hemām al-Dīn (1362 Š.), *Ḥabīb al-Šīr*, Tehran: ḳayyām. [In Persian]
- Ketābkāneh-ye Malek Manuscripts No. 3846/10; 4171/29; 3846/14 [In Persian]
- Kūhestānī, Mas'ūd b. 'Otmān (n. d.), *Tārīk-e Abu al-ḳayr ḳānī, Maǰmū'a 'Aks No. 21-2018*, Markaz-e Asnād wa Ketābkāneh-ye Markazi-e Dānešgāh-e Tehran. [In Persian]
- MīrḲānd, Amīr Ḳānd Moḥammad (1377 Š.), *Rawāt al-Šafā*, edited by 'Abbās Zaryān ḳoī, Tehran: 'Elmī. [In Persian]
- Monšī, Eskandar Bayk (1382 Š.), *Tārīk-e 'Ālamārā-ye 'Abbāsī*, edited by Īraǰ Afšār, Tehran: Amīr Ḳabīr. [In Persian]
- Monšī, Moḥammad Yūsuf (1380 Š.), *Tazkareḥ-ye Moḳīmḳānī*, edited by Ferešteḥ Šarāfān, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
- Moṭrebī Samarqandī (1382 Š.), *Tazkarat al-Šo'arā*, edited by Rafī'ī 'Alāmarvdaštī, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
- ----- (1377 Š.), *Nosḳeh-ye Zībā-ye Jahāngīr*, edited by Sayyed 'Alī Mūǰānī, Esmāīl bay Ĵānuf, Qom: Ketābkāneh-ye Mar'ašī Najafī. [In Persian]
- Naṭārī Boḳārī, Sayyed Ḥasan (1377 Š.), *Mazkar Aḥbāb*, edited by Naǰīb Māyel Heravī, Tehran: Markaz. [In Persian]
- Qaṭḡān, Moḥammad Yār b. 'Arab (1385 Š.), *Mosakar al-Belād*, edited by Nāhereḥ Ĵalālī, Tehran: Mīrāt-e Maktūb. [In Persian]
- Subtelny, Maria E. (1394 Š.), *Mīr 'Alīšīr Navāū wa Rūzegār-e Ou (Maǰmu'e Maqālāt)*, translated by Ĵavād 'Abbāsī, Mashhad: Ṭanīn Qalam. [In Persian]
- Rāqem Samarqandī, Mīr Sayyed Šarīf (1380 Š.), *Tārīk-e Rāqem*, edited by Manūčehr Sotūdeh, Tehran: Enteshārāt-e Moḳūfāt-e Afšār. [In Persian]
- Reżā, 'Enāyatullāh (1381 Š.), "Boḳārā", *Dāerat al-Ma'āref Bozorg-e Eslāmī*, pp. 428-455. [In Persian]
- Wāṣeṭī, Zay al-Dīn Maḥmūd b. 'Abdulǰalīl (1349 Š.), *Badāy'e al-Vaqāy'e*, edited by Alexander Beldorv, Tehran: Bonyād-e Farhangī-e Īrān. [In Persian]

Sources in English and French

- Bahari, e. (2003), "The Sixteenth Century School of Bukahra Painting and the Arts of the Book", in *Society and Culture in the Early Modern Middle East, Studies on Iran in the Safavid Period*, edited by Andrew j. Newman, Leiden: Brill, pp.251-264.
- Barisitz, Stephan, (2017), "Brushed Aside by Outside Progress: From Relative Decline to Colonization", *Central Asia and Silk Road Economic Rise and Decline over Several Millennia*, Switzerland, pp.49-146.
- Bartold, Vasilii Vladimirovich (1965), *Работы по исторической географии*, Moscow.
- Bosworth, Edmund (2004), *The New Eslamic Dynasties: A Chronological and Genealogical Manual*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Bregel, Yuri, (1985), "Abu'l-kayr Khan", *Encyclopædia Iranica*, Vol.1, edited by Ehsan Yarshater, pp. 35-331.
- -----, (1990), "Bukhara III. after the Mongol Invasion", *Encyclopædia Iranica*, Vol. 4, edited by Ehsan Yarshater, pp. 515-521.
- -----, (2004) "Historiography XII, Central Asia", *Encyclopædia Iranica*, vol. XII, fasc.4, edited by Ehsan Yarshater, pp. 395-403.
- Deweese, Devin,(2012) "Kašmiri, Badr-Al-Din", *Encyclopædia Iranica*, Vol. XVI, Fasc. 1, edited by Ehsan Yarshater, pp. 80-83.
- Erkinov, Aftandil, (2008), "Persian-Chaghatay Bilingualism in the Intellectual Circle of the Central Asia", *Journal of Central Asia studies*, Vol.12, pp. 57-82.
- Foltz, Richard, (1998), *Mughal India and Central Asia*, Karachi: Oxford University Press.
- McChesney, R. D., (1995), "OZBEG, Historical Aspects", *EI²*, Vol. VIII, edited by Edmund Bosworth, Leiden: Brill, pp. 232-233.
- ----- (1997), "SHIBANIDS", *EI²*, Vol, IX, edited by Edmund Bosworth, Leiden: Brill, pp. 428-31.
- ----- (2009), "The Chinggisd Restoration in the Central Asia :1500-1785", *The Cambridge History of Inner Asia, the Chinggisd Age*, edited by Nicola di Cosmo, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 277-302.
- ----- , (1990), "CENTRAL ASIA VI. In the 16th-18th Centuries", *Encyclopædia Iranica*, V.5, fasc.2, edited by Ehsan Yarshater, pp. 176-193.
- ----- , (2010), "Islamic Culture and the Chinggisd Restoration: Central Asia in the Sixteenth and Seventeenth Centuries", *The New Cambridge History of Islam*, Vol.3, edited by D. O. Morgan, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 239-265.
- Mukminova, Raziya G., (2003), "The Shaybanids", *History of Civilizations of Central Asia*, Vol.5, edited by Chahryar Adle and Irfan Habib, Co-Editor Karl M. Baipakov, UNESCO Publishing, pp. 33-44.
- -----,(1997), "Le rôle de la femme dans la société de l'Asie centrale sous les Timourides et les Sheybanides", *Cahiers d'Asie centrale* , 3/4, pp. 203-212.
- Paul, Jürgen, (1997), "La propriété foncière des cheikhs Juybari", *Cahiers d'Asie centrale*, 3/4, pp. 183-202.
- Rypka, Jan; (et. al.) (1968), *History of Iranian Literature*, edited by Karl Jahn, Dordrecht: D. Reidel.
- Schmitz, Barbara. (2000), "Bukhara vi. Bukhara School of Miniature Painting", *Encyclopædia Iranica* , Vol. IV, fasc.5, edited by Ehsan Yarshater, pp. 527-530.
- Schwarz, Florian, (2008), "An endowment deed of 1547(953 h.) for the a Kubravi Khanagah in Samarkand", *Die Grenzen der Welt*, edited by Lorenz Korn, Eva Orthmann and Florian Schwarz, Wiesbaden, pp. 189-210.

- Subtelny, Maria. Eva, (1983), "Art and Politics in Early 16th Century Central Asia", *Central Asiatic Journal*, Vol. 27, No.1/2, pp.121-148.
- Szuppe, Maria, (1999), « Lettrés, patrons, libraires. L'apport des recueils biographiques sur le rôle du livre en Asie centrale aux XVIe et XVIIe siècles », *Cahiers d'Asie centrale*, 7, pp. 99-115.
- Tupev, Mustafa, (2017), "All the King's Men: Architectural Patronage in Bukharan Madrasa Buildings from the 1560s", *Beiträge zur Islamischen Kunst und Archäologie*, Band 5, Wiesbaden, pp. 28-56.



